

چند نکته برای بهبود شیوهی نگارش فارسی*

داریوش آشوری

عَلتِ اصلی پریشانی‌ها و نارسایی‌های نوشتاری زبان فارسی بی‌سروسامانی عمومی نثر فارسی ست. این بی‌سروسامانی برآمده از ناآگاهی بیشینه‌ی اهل قلم به شیوهی نگارش درست به شیوهی مدرن است. شیوهی مدرن در همه‌کار اندیشیدن به روش و پای‌بند بودن به آن را می‌طلبد. و این کاری ست که نظام آموزشی ملی باید به نوجوانان و جوانان بیاموزد. اما در نظام آموزشِ طوطی‌پرور ما-- که تنها کار آن انباشتنِ ذهن‌ها از مشتِ «محفوظات» است-- هرگز چیزی به نام «اندیشیدن» و روش‌های آن-- که بنیاد آموزش مدرن است-- طرح نشده است. بنا بر این، خود باید آستین بالا بزنیم و آنچه را که هرگز به ما نیاموخته اند، بیاموزیم. در مورد شیوهی نوشتن هم، از همه جهت، باید اندیشید و به کمبودها و ناتوانی‌های خود آگاه شد. مسائل نوشتن دو وجه دارد، یکی جنبه‌ی زبانی ست، یعنی چه‌گونگی نوشتن جمله‌های درست و روشن و رسا و در ارتباط درست با یکدیگر، و دیگر ساختار منطقی گزاره‌های متن در مقاله یا کتاب یا گزارش کتبی و شفاهی. با این وجه دوم، که وجه دشوارتر کار نیز هست، این جا کاری ندارم و توجه من اکنون به وجه نخست است، یعنی تنها به وجه زبانی شیوهی نگارش یا، به عبارت دیگر، وجه دستوری آن. توجه به این مسأله و خودآگاهی یافتن به آن کاری چندان دشوار نیست. با کمی دقت در ساختار جمله و چیرگی بر برخی عادت‌های دیرینه در نوشتن، با نگاه سنجشگرانه به نوشته‌ی خود و دیگران، می‌توان از نابسامانی‌ها کاست و بر رسایی نوشته‌ها افزود. آنچه در این جستار می‌آید عمومی‌ترین و فراوان‌یاب‌ترین مسائل این گونه متن‌ها ست، ولی کار به همین جا پایان نمی‌یابد. مسائل دیگر هم هست، از جمله روش نقطه‌گذاری، که به جای خود باید طرح کرد.

نمونه‌هایی که در زیر می‌آورم بیشترشان از یکی دو سایت فارسی رادیویی گرفته شده، بجز آنچه از یک کتاب و یک روزنامه در آن آمده است. جمله‌های اصلی را با علامت ◀ مشخص کرده‌ام و نمونه‌های اصلاح شده را با علامت ☀ و جمله‌های دوبار اصلاح شده را با علامت ☀☀.

* این جستار شامل یادداشت‌هایی ست که من چند سال پیش-- با قراری که با بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی گذاشته بودم-- برای تشکیل یک کلاس درس ویرایش برای مترجمان و متن‌نویسان آن رادیو تهیه کرده بودم. ولی از آن جا که شتاب کار ژورنالیستی و آموزش‌گریزی قوم باستانی ما به چنین دقت‌ها و «وسواس»ها میدان نمی‌دهد، یا به دلایلی که من از آن بی‌خبر ام، این فکر پی گرفته نشد. در نتیجه، آن کلاس هرگز برگزار نشد و این یادداشت‌ها-- که بر اساس آموخته‌ها و تجربه‌های من، در چنددهه، در کار نگارش و ویرایش فراهم شده است-- مانده بود. فکر کردم که پرداخت و نشر آن به صورت یک مقاله در اینترنت چه‌بسا برای کسانی از اهل (نه اهالی!) قلم، چه کهنه‌کار چه تازه‌کار، سودمند باشد. زیرا این بیماری‌های ارثی و نوعانه‌ی (ژنریک) نگارشی-- که با چشم «غیر مسلح» دیده نمی‌شوند!-- کم‌وبیش، بر بخش عمده‌ی متن‌هایی از هر دست، که به فارسی نوشته می‌شوند، چیره است.

I. نابه‌جایی یا پراکندگی اجزاء جمله:

در نثر فارسی کنونی مهمترین مسأله، به گمان‌ام، پراکندگی اجزاء اصلی جمله و فاصله افتادن میان آن‌هاست، که فهم آن را بسیار دشوار می‌کند و کار را گاه به مهمل‌نویسی و درازنویسی‌های وحشتناک می‌کشاند. به عنوان یک اصل، باید توجه داشت که هر جمله‌ی خبری یک بخش پایه‌ای دارد که از یک نهاد و یک گزاره تشکیل می‌شود. برای مثال: امریکا به عراق حمله کرد. بر این جمله‌ی پایه، که یک فاعل، یک مفعول، و یک فعل دارد، می‌توان چیزهای دیگری افزود، مانند قید زمان، قید مکان، همچنین عبارت‌ها و جمله‌های توضیح‌دهنده یا تکمیل‌کننده که با ابزارهای دستوری، مانند حروف ربط و اضافه، به آن می‌پیوندند. سر جای درست قرار دادن هر یک از اجزاء یا جدا کردن درست آن‌ها در جمله‌های پایه و پیرو از نکته‌هایی است که تاکنون در فارسی به آن توجه چندانی نشده و به نظر نمی‌رسد که هرگز بخشی از کار آموزش زبان بوده باشد. به همین دلیل، ابهام و تاریکی و همچنین یاوگی و بی‌معنایی در نوشته‌های ما کم نیست. نمونه‌هایی که می‌آورم گواه روشن این نکته است.

در نمونه‌های زیر، برای مشخص کردن جمله‌ی پایه، زیر آن خط گذاشته‌ام و اجزاء دیگر جمله را با علامت // از هم جدا کرده‌ام. سپس نشان داده‌ام که برای روشن‌تر شدن و رساتر شدن جمله چه گونه می‌شود آن‌ها را به صورت درست‌تر کنار هم نشانند.

برای ساده‌تر و روان‌تر شدن نوشته می‌باید کوشید تا اجزای جمله‌ی پایه، یعنی نهاد و گزاره‌ی آن، تا جای ممکن در کنار یکدیگر قرار گیرند تا خبر اصلی هرچه سراسرتر و کوتاه‌تر به خواننده برسد. و سپس، عبارت‌ها و جمله‌های پیرو به دنبال آن، یا در مناسب‌ترین جا، بیابند، تا هرچه آسان‌تر و روان‌تر معنا را برسانند. در صورتی که بر اثر درآمیختن جمله‌ی پایه و عبارت‌ها یا جمله‌های پیرو، جمله بسیار دراز شود و میان اجزاء جمله‌ی پایه زیاد فاصله افتد و فهم آن را کند یا دشوار کند، بهتر آن است با تجزیه به دو یا سه جمله آن را کوتاه کنیم و جمله‌های پیرو یا توضیحی را به صورت جمله‌ی جداگانه به دنبال جمله‌ی اصلی بیاوریم. این کار به‌ویژه برای گزارش‌رادیویی بسیار اهمیت دارد. زیرا با دراز شدن بی‌اندازه‌ی جمله‌ی اصلی و فاصله افتادن میان اجزاء آن، شنونده، چه بسا ناخودآگاه، به‌زحمت می‌افتد یا جمله را درست نمی‌فهمد. گرفتاری در چنبره‌ی جمله‌های تو-در-توی نامفهوم، که گاه ده-پانزده سطر هم می‌شوند، و جمع شدن دو یا سه، حتا چهارپنچ فعل، در پایان «جمله»، و یا حذف بی‌جای فعل‌ها در چنین سبک نوشتاری، از بیماری‌های دیرینه‌ی نثر فارسی است.

توجه به زبان انگلیسی و شیوه‌ی بیانی آن می‌تواند بسیار آموزنده باشد. کوتاه‌نویسی، ساده‌نویسی، و شفاف‌نویسی در زبان انگلیسی، اما با غنی‌ترین مایه‌ی واژگان، حتا برای پیچیده‌ترین ایده‌ها و اندیشه‌ها، حاصل پرورش روشمند و آگاهانه‌ی آن زبان در دوران مدرن است، و می‌تواند برای اهل زبان‌های دیگر، از جمله ما فارسی‌زبانان، نمونه‌ای بسیار خوب و آموزنده باشد. البته، نه با پیروی مکانیکی از دستور زبان انگلیسی و شیوه‌ی عبارت‌بندی آن—چنان که مترجمان کم‌تجربه می‌کنند—بلکه با توجه به سیاق گفتار درست و شفاف در زبان خود.

اینک نمونه‌ها (به تفکیک گزاره‌ی اصلی—که زیر آن خط کشیده شده—از دیگر اجزاء توجه کنید):

◀ با این حال «ام اس بلست» هنوز به اندازه ویروس «اسلمر» (Slammer) // که در ماه ژانویه منتشر شد و بعضی از عابرانک ها را از کار انداخت، خسارت نزده است

☀ با این حال، «ام اس بلست» هنوز به اندازه ویروس «اسلمر» (Slammer) خسارت نزده است؛ ویروسی که در ماه ژانویه منتشر شد و بعضی از عابر (؟) بانک ها را از کار انداخت.

◀ این ویروس را می توان // با پیاده کردن بسته های نرم افزاری که به حل نقطه ضعف ویندوز کمک می کند و همچنین با اجرای برنامه ضد ویروس // خنثی کرد.

☀ با پیاده کردن بسته های نرم افزاری ای که ضعف ویندوز را برطرف می کنند، و همچنین با اجرای برنامه ی ضد ویروس، این ویروس را می توان خنثی کرد

”به حل نقطه ضعف ویندوز کمک می کند“ جمله ی ناهمواری ست. بهتر است بشود: ضعف ویندوز را برطرف می کند.

◀ این گزارشگر می گوید همچنین در مورد لغو شدن منع تجارت حیوانات وحشی در چین //، که با شیوع سارس مرتبط دانسته شده است، // نگرانی هایی وجود دارد

☀ این گزارشگر می گوید، همچنین در مورد لغو مقررات منع تجارت حیوانات وحشی در چین نگرانی هایی وجود دارد، زیرا این تجارت را علت شیوع سارس می دانند.

◀ شائول مفاذ، وزیر دفاع فلسطین // روز سه شنبه ۱۹ اوت // در رادیو گفت که اریحا و قلقلیه // «این هفته، پس از آنکه کلیه مسائل مورد بحث با فلسطینی ها اجرا شد» // واگذار خواهند شد.

☀ روز سه شنبه ۱۹ اوت، شائول مفاذ، وزیر دفاع فلسطین (؟)، در رادیو گفت که این هفته، پس از حل کلیه مسائل مورد بحث با فلسطینی ها، اریحا و قلقلیه به ایشان واگذار خواهد شد.

◀ مدیر ارتباطات و مشاور ارشد مطبوعاتی نخست وزیر بریتانیا، که // برای ادای شهادت // در جلسه تحقیق پیرامون مرگ دیوید کلی، کارشناس تسلیحاتی دولت، // حضور یافته است، // این اتهامات را // که وی در مدارک اطلاعاتی مربوط به تهدید احتمالی از سوی عراق مبالغه کرده، // رد کرده است.

☀️ مدیر ارتباطات و مشاور ارشد مطبوعاتی نخست وزیر بریتانیا که در جلسه‌ی تحقیق پیرامون مرگ دیوید کلی، کارشناس تسلیحاتی دولت، برای ادای شهادت حضور یافته، این اتهام را رد کرده که در مدارک اطلاعاتی در مورد تهدید احتمالی از سوی عراق مبالغه کرده است.

◀️ به گفته یکی از مقامات ارشد اتحاد میهنی کردستان، // روز دوشنبه، ۱۸ اوت، // طه یاسین رمضان // توسط اعضای اتحاد میهنی در شهر موصل، واقع در شمال عراق، // دستگیر شد و در اختیار نیروهای آمریکایی قرار گرفت.

☀️ به گفته‌ی یکی از مقامات ارشد اتحاد میهنی کردستان، اعضای این اتحادیه، روز دوشنبه ۱۸ اوت، طه یاسین رمضان را در شهر موصل، در شمال عراق، دستگیر کردند و به نیروهای آمریکایی تحویل دادند.

دستگیر شده را به جایی (زندان) یا به کسی یا مرجعی (در این مثال، نیروهای آمریکایی) تحویل می دهند. این جمله همچنین نمونه‌ای است از تأثیر جمله‌سازی passive در زبان انگلیسی و ترجمه‌ی مکانیکی آن به فارسی، یعنی ترجمه‌ی was arrested by به "توسط...دستگیر شد" که فارسی درستی نیست و از راه ترجمه از فرانسه و انگلیسی به فارسی نوشتاری راه یافته است.

◀️ پژوهشگران آمریکایی می گویند با افزایش جمعیت جهان و طول عمر بیماران فعلی، شمار افراد مبتلا به آلزایمر تا سال ۲۰۵۰ ممکن است سه برابر شود.

☀️ پژوهشگران آمریکایی می گویند، با افزایش جمعیت جهان و درازتر شدن عمر بیماران، تا سال ۲۰۵۰ شمار افراد مبتلا به آلزایمر ممکن است سه برابر شود.

"شمار افراد مبتلا به آلزایمر تا سال ۲۰۵۰، یعنی آنهایی که تا سال ۲۰۵۰ به آلزایمر مبتلا خواهند شد، در حالی که مقصود این است که شمار کسانی که هم‌اکنون مبتلا به آلزایمر اند تا سال ۲۰۵۰ سه برابر می‌شود.

◀️ پژوهشگران می گویند // داروهایی که برای علاج افسردگی ساخته می شود // ممکن است به این دلیل مؤثر باشد که // رشد سلول های عصبی تازه ای // در بخش های مهمی از مغز // را تحریک می کند.

☀️ پژوهشگران می گویند، داروهایی که برای درمان افسردگی ساخته می شوند ممکن است به این دلیل مؤثر باشند که در بخش های مهمی از مغز رشد سلول های عصبی تازه ای را تحریک می کنند.

اما صورت ساده‌تر و درست‌تر این جمله می‌تواند چنین باشد:

☀️ پژوهشگران می گویند، تأثیر مثبت داروهای تازه‌ی درمان افسردگی ممکن است به این دلیل باشد که در برخی از بخش‌های اساسی مغز سبب انگیزش رشد سلول‌های عصبی تازه می‌شوند.

◀️ کابینه اسرائیل ادامه ساخت حصارهای امنیتی جنجال برانگیز در کرانه باختری را // ساعتی پس از دستگیری یکی از رهبران پیکارجویان فلسطینی // تأیید کرد.

☀️ چند ساعت پس از دستگیری یکی از رهبران پیکارجوی فلسطینی، کابینه‌ی اسرائیل تأیید کرد که ساخت حصارهای امنیتی جنجال برانگیز را در کرانه‌ی باختری همچنان دنبال می‌کند.

II. جمله‌های درهم و مبهم:

درهم آمیختگی جمله‌ی اصلی با عبارت‌ها یا جمله‌ی توضیحی می‌تواند کلافِ درازِ درهم- برهمی تولید کند. برای رسا و شفاف شدن چنین جمله‌هایی بهتر است آن‌ها را به دو جمله تجزیه کنیم. در نمونه‌های زیر می‌بینیم که با تجزیه‌ی یک جمله به دو جمله چه‌گونه اجزاء جمله‌ی اصلی کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و با بردن توضیح‌های دیگر به جمله‌ی بعدی مطلب سریع‌تر و آسان‌تر رسانده می‌شود.

◀️ انفجار در اتوبوسی // در یک محله // غالباً ارتدوکس نشین // در بیت المقدس // که // به گفته پلیس // توسط یک بمب‌گذار انتحاری انجام شد، // به مرگ دست کم ۲۰ نفر منجر شده است.

☀️ انفجار در اتوبوسی در یک محله‌ی غالباً ارتدوکس نشین بیت المقدس دست کم به مرگ ۲۰ نفر منجر شده است. به گفته‌ی پلیس، این انفجار را یک بمب‌گذار انتحاری انجام داده است.

”در یک محله غالباً ارتدوکس نشین“ این معنا را به ذهن می‌رساند که مردمان این محله پیروان کلیسای ارتدوکس اند، در حالی که مقصود می‌باید محله‌ی یهودیان سخت‌کیش یا متعصب باشد. بنا براین، این جمله را می‌توان به این صورت به دو جمله تجزیه و اصلاح کرد، و نیز فارسی‌تر:

☀️ در محله‌ی ای از بیت المقدس، که ساکنان آن اغلب یهودیان سخت‌کیش اند، در یک اتوبوس انفجاری رخ داد که دست کم سبب مرگ ۲۰ نفر شد. به گفته‌ی پلیس، این انفجار را یک بمب‌گذار انتحاری انجام داده است.

◀️ در روزهای گذشته، // خیر فرار دختر ۱۲ ساله بریتانیایی با یک تفنگدار دریایی سابق آمریکا، // که ۱۹ سال از او بزرگتر بود // و از طریق اینترنت و گپستان (chat room) با او آشنا شده بود، // در صدر اخبار رسانه‌های بریتانیا و کشورهای دیگر

قرار گرفت. این واقعه سبب شد که هشدارهای زیادی از سوی نهادهای ذیصلاح برای پدر و مادرها // در مورد حافظت (?) از کودکان خود در اینترنت، // صادر شود.

☀ خبر فرار یک دختر ۱۲ ساله ی بریتانیایی با یک تفنگدار دریایی سابق آمریکا **این روزها** در صدر اخبار رسانه های بریتانیا و کشورهای دیگر **نشسته است**. این مرد ۱۹ سال از دختر بزرگتر است و این دو از طریق اینترنت و گپستان (chat room) با یکدیگر آشنا شده اند. این واقعه سبب شد که نهادهای **صلاحیت دار** به پدر و مادرها **هشدار دهد که مراقب رفتار کودکان خود در برابر اینترنت باشند**.

◀ حزب توده // بزرگ ترین و منسجم ترین حزب تاریخ ایران // بعد از ۲۸ مرداد // همواره در برابر این سؤال قرار داشت که چرا در دوره ای به مخالفت با دولت مصدق پرداخته و با تندروی های خود باعث دشواری کار دولت مصدق شده، // سؤالی که حتی با اعتراف سران حزب توده به اشتباه خود، ملی گرایان را قانع نکرد.

☀ حزب توده، بزرگ ترین و **سازمان یافته ترین** حزب تاریخ ایران، بعد از ۲۸ مرداد همواره در برابر این **سؤال** قرار داشت که چرا در دوره ای **با مصدق به مخالفت پرداخته** و با تندروی های خود در کار دولت **وی اخلال می کرده است**. سران حزب توده **در پاسخ** به اشتباه خود **اعتراف می کردند، اما این پاسخ هرگز ملی گرایان را قانع نکرد**.

◀ دو روز قبل از مرگ دکتر کلی // در کمیته روابط خارجی مجلس عوام بریتانیا از او درباره نقش وی در یک خبر بی بی سی // که می گفت در گزارش دولت درباره تهدید مربوط به تسلیحات تخریب جمعی عراق اغراق شده است، // سوال شد

☀ دو روز قبل از مرگ دکتر کلی، کمیته ی روابط خارجی مجلس عوام بریتانیا از او درباره ی نقش وی در یک خبر بی بی سی پرس و جو کرده بود. **در آن خبر گفته شده بود که گزارش دولت درباره ی خطر سلاح های کشتار جمعی عراق اغراق آمیز بوده است**.

”تهدید مربوط به تسلیحات جمعی عراق“ می تواند جای خود را به جمله ی ساده تر و سراسر تری بدهد، مانند این: **خطر سلاح های کشتار جمعی عراق**.

◀ محمد البرادعی، رییس آژانس بین المللی انرژی اتمی در حاشیه جلسه روز چهارشنبه هیات ریسه آژانس بین المللی انرژی اتمی گفت که گرایش عمده ای در حمایت از پیشنهاد تعیین مهلت برای ایران در میان شرکت کنندگان در جلسه وجود دارد.

☀ محمد البرادعی، رییس آژانس بین المللی انرژی اتمی، در حاشیه ی جلسه ی روز چهارشنبه ی هیات ریسه ی آژانس بین المللی انرژی اتمی گفت که، **در میان شرکت کنندگان در جلسه گرایش عمده ای در حمایت از پیشنهاد تعیین مهلت برای ایران وجود دارد**.

☀☀ در حاشیه ی جلسه ی روز چهارشنبه ی هیات ریسه ی آژانس بین المللی انرژی اتمی، محمد البرادعی، رییس آژانس، گفت که **اکثر شرکت کنندگان در جلسه از پیشنهاد تعیین مهلت برای ایران حمایت می کنند**.

◀ زن خبرنگاری که برای تهیه گزارش به کارگاه «خشونت جنسی خانگی»- که از سوی مرکز فرهنگی زنان در سالن مشارکت های مردمی پارک نظامی گنجوی برگزار شده بود- آمده بود گفت خجالت می کشم در این باره گزارشی بنویسم!

☀️ «مرکز فرهنگی زنان» در سالن مشارکت های مردمی، در پارک نظامی گنجوی، کارگاهی در باره ی «خشونت جنسی در خانه» برگزار کرده بود. زن خبرنگاری که برای تهیه گزارش به کارگاه آمده بود گفت: خجالت می کشم در این باره گزارشی بنویسم!

در این جمله، مانند موارد دیگر، در واقع دو جمله به دست و پای هم پیچیده اند که اگر از هم جدا کنیم مشکل پیچیدگی و سنگینی آن حل می شود. «از سوی... برگزار شده بود» هم از همان جمله های ناجور ترجمه ای ست که با مذاق فارسی درست نمی خواند.

III. مشکل پشت هم آمدن فعل ها:

بر اثر یک آموزش نادرست، که در زبان فارسی فعل همیشه می باید در پایان جمله بیاید، بسیار دیده می شود که با پیوستگی یک جمله ی پایه و یک جمله ی پیرو دو فعل و گاه سه فعل (آن هم از فعل های ترکیبی که در فارسی فراوان تر از فعل های بسیط اند) در پایان جمله پشت سر هم می آیند. این کار فهم جمله را، به ویژه برای کسی که شنونده ی آن است (مانند شنونده ی رادیو) دشوار می کند. البته شنوندگان فارسی زبان، به علت عادت به این گونه عبارت بندی، چه بسا متوجه مشکل خود نباشند. اما این، به هر حال، یک گرفتاری اساسی در نوشتار فارسی ست که باید چاره کرد. ساده ترین راه حل برای جمله هایی که با /که/ (موصول) به هم می پیوندند آن است که فعل جمله ی اول را بلافاصله در پایان آن و پیش از /که/ بیاوریم و فعل جمله ی دوم را در پایان آن. مانند چند نمونه ی زیر که من آن ها از یک کتاب تألیفی فارسی گرفته ام:

◀ مشاهده ی رویدادهای برلین آرن را چنان برآشفست که به همکاری با شبکه ای که به ابتکار آندره فرانسوا پسنه سفیر فرانسه در آلمان و کارمندان سفارت برای کمک به مهاجرت برخی از مخالفان سیاسی آلمانی تشکیل شده بود پرداخت.

اما، اگر فعل «پرداخت» را که دنباله ی «همکاری با شبکه ای» ست، سر جای خود پیش از «که» بگذاریم—که جمله ی دومین را به جمله ی نخستین وصل می کند—می بینیم که جمله چه قدر سبک تر می شود:

☀️ مشاهده ی رویدادهای برلین آرن را چنان برآشفست که به همکاری با شبکه ای پرداخت که به ابتکار آندره فرانسوا پسنه سفیر فرانسه در آلمان و کارمندان سفارت، برای کمک به مهاجرت برخی از مخالفان سیاسی آلمانی تشکیل شده بود.

اُ ضروری ست به این نکته اشاره کنم که، این کتاب پژوهش بسیار سنجیده و پرمایه ای ست در باره ی ریمون آرن، اندیشه گر سیاسی فرانسوی، به قلم آقای نادر انتخابی، که در نوع خود از بهترین نمونه های کار پژوهشی در فارسی ست. اما از نظر ساخت جمله در جاهایی برخی از گرفتاری های ژنریک جمله بندی در نثر فارسی را دارد که من، با پوزش از ایشان، برای نمونه از آن مثال می آورم.

اما این جمله هنوز از نظر ساختار سنگین است و از نظر نقطه‌گذاری نیز کمبود دارد. با افزودن جمله‌ای کامل بر آن به جای عبارت "برای کمک به مهاجرت برخی از مخالفان سیاسی آلمانی"، و نقطه‌گذاری کامل می‌توان متن روان‌تر و شفاف‌تری پدید آورد:

☀️ مشاهده‌ی رویدادهای برلین آرُن را چنان برآشفتم که به همکاری با شبکه‌ای پرداخت که به ابتکار آندره فرانسوا پَنسه، سفیر فرانسه در آلمان، و کارمندان سفارتخانه‌ی وی تشکیل شده بود. کار این شبکه کمک به آلمانی‌های مخالف دولت نازی بود که می‌خواستند از آلمان مهاجرت کنند.

◀️ گروه‌های مسلمان در ایتالیا به دلیل اختلافات درونی و تفاوت‌های سیاسی موجود نتوانسته‌اند نهادی مذهبی به دور از سیاست که بتواند از حقوق این اقلیت که بعد از کاتولیک‌ها مهم‌ترین گروه مذهبی کشور را تشکیل می‌دهد دفاع کند، به وجود آورند. (نقل از سایت رادیو فردا)

☀️ به دلیل اختلافات درونی و تفاوت‌های سیاسی موجود، گروه‌های مسلمان در ایتالیا نتوانسته‌اند نهادی مذهبی به وجود آورند که به دور از سیاست بتواند از حقوق این اقلیت دفاع کند. مسلمانان، بعد از کاتولیک‌ها، مهم‌ترین گروه دینی این کشور اند.

◀️ آرُن نخستین کتاب خود... را در دوره یکساله‌ای که در لوهاور معلم فلسفه بود نوشت.

☀️ آرُن نخستین کتاب خود... را در دوره‌ی یکساله‌ای نوشت که در لوهاور معلم فلسفه بود.

◀️ ما چیزها را به گونه‌ای که توانایی‌های شناسایی ما امکان آن را می‌دهد می‌شناسیم.

☀️ ما چیزها را به گونه‌ای می‌شناسیم که توانایی‌های شناسایی ما امکان آن را می‌دهد.

و اما، راه دیگر حل حذف فعل جمله‌ی توضیحی است:

◀️ این اجساد به آن دسته از کشته شدگان جنگ تعلق دارد که اجسادشان در کاوشهایی که همچنان در مناطق مرزی ایران و عراق در جریان است کشف می‌شود.

☀️ این اجساد به آن دسته از کشته شدگان جنگ تعلق دارد که اجسادشان در کاوشهای دنباله‌دار در مناطق مرزی ایران و عراق همچنان کشف می‌شود.

قسمت اول جمله هم ناهنجار است: ” این اجساد به آن دسته از کشته شدگان جنگ تعلق دارد که اجسادشان ... “ می شود آن را به این صورت اصلاح کرد:

☀️ این‌ها از جمله جسد‌های کشتگان جنگ است که در کاوش‌های دنباله‌دار در مرز ایران و عراق همچنان کشف می‌شود.

به این ترتیب، جمله‌ی اصلی از ۲۸ کلمه به ۱۸ کلمه کاهش می‌یابد.

◀️ محمود احمدی نژاد که بیش از چند ماه از تصدی او بر شهرداری تهران نمی‌گذرد به لایه‌های تندرو جناح محافظه‌کار منسوب است و برخی محافظه‌کاران از هنگام روی کار آمدن او امیدهایی نسبت به اینکه او بتواند فضای اجتماعی تهران را بسوی آنچه مطلوب آنهاست پیش‌برد مطرح کردند.

در این جمله ”امید مطرح کردن“ نادرست است. در فارسی ”امید بستن“ داریم. همچنین دو فعل پشت سر هم در پایان جمله مزاحم یکدیگر است. این جمله را به این صورت می‌شود اصلاح کرد:

☀️ محمود احمدی نژاد — که بیش از چند ماه از تصدی او بر شهرداری تهران نمی‌گذرد — از جمله تندروان جناح محافظه‌کار به شمار می‌آید. از هنگام روی کار آمدن او برخی از محافظه‌کاران امید بسته‌اند که بتواند فضای اجتماعی تهران را به صورتی در آورد که مطلوب آنها باشد.

◀️ گزارشها از اسرائیل حاکی است که تحقیقات نشان می‌دهد اطلاعاتی مبنی بر اینکه بر اساس آن بتوان گفت که ران آراد، خلبان اسرائیلی زنده نیست، وجود ندارد.

تلویزیون دولتی اسرائیل اعلام کرده است که اعضای کمیسیونی که در سال پیش به منظور تحقیق در خصوص این قضیه تشکیل شد، تمامی مطالب مربوط به ناپدید شدن این خلبان اسرائیلی را مطالعه کرده است.

☀️ بر اساس گزارش تلویزیون دولتی اسرائیل، در سال گذشته کمیسیونی تمامی پرونده‌ی ناپدید شدن خلبان اسرائیلی، ران آراد، را مطالعه کرده و، بر اساس تحقیقات آن، دلیلی در دست نیست که خلبان اسرائیلی زنده نباشد.

«تابع افعال» در نثر فارسی، چنان که اشاره کردم، یکی از بیماری‌های کهنه‌ی آن است. ابوالحسن نجفی در کتاب غلط‌نویسیم نمونه‌ای از آن را به قلم محمد قزوینی آورده که در آن پنج فعل به دنبال هم ردیف شده است و به‌راستی بامزه است!

◀ «این کلمه را به مناسبت اینکه در نطق معروف [هیتلر] ... که در ۲۸ آوریل ۱۹۳۹ ... در جواب تلگرافی که روزولت رئیس جمهور اتازونی کرده بود که آیا حاضرید برای پنج یا ده سال **حمله** بر فلان و فلان و فلان دولت... **نکنید کرده بود آمده بود و معنیش را نمی دانستم پیدا کردم.**»

اگر فعل‌های این «جمله» را سر جای‌اش بگذاریم و نقطه‌گذاری درست برای آن به کار ببریم، می‌بینیم که این نه یک جمله بلکه دو یا سه جمله است:

☀ به این کلمه در نطق معروف [هیتلر] **برخوردم و معنی‌اش را نمی دانستم.** وی این نطق را در جواب تلگرافی کرده بود که روزولت، رئیس جمهور اتازونی، برای‌اش فرستاده بود و در آن گفته بود که، آیا حاضر اید **به ... حمله نکنید؟**

با همه کوشش داهیان‌های که من برای سروسامان دادن به این «جمله» کرده ام، باز دو فعل آن ته زیادی آمده که نمی‌دانم مرحوم علامه آن‌ها را کجا قرار می‌داده است، اگر که هرگز جایی می‌داشته اند. سفارش من این است که جمله‌ها را به سبک منشیان دوره‌ی صفوی و قاجار در هم نیچانیم و به ترتیب، با نقطه‌گذاری سنجیده، پشت سر هم قرار دهیم. باری، این بیماری و گرفتاری نوشتن جمله‌های تودرتو، همراه با بیماری‌ها و گرفتاری‌های دیگر در مورد منطق متن، در نوشته‌های دانشوران ما کم نیست.

IV. جای «را»:

◀ عبدالله رمضانزاده // سخنگوی دولت ایران // در نشست هفتگی خود با خبرنگاران // گفت که وزارت اطلاعات این کشور کلیه مستندات خود درباره پرونده قتل زهرا کاظمی، خبرنگار عکاس ایرانی تبعه کانادا را // طی نامه ای رسمی // در اختیار دستگاه قضایی قرار داده // اما به این مستندات توجه نشده است.

☀ عبدالله رمضانزاده، سخنگوی دولت ایران، در نشست هفتگی خود با خبرنگاران، گفت که، «درباره‌ی پرونده‌ی قتل زهرا کاظمی، خبرنگار عکاس ایرانی تبعه‌ی کانادا، وزارت اطلاعات کلیه‌ی مستندات خود را در نامه‌ای رسمی در اختیار دستگاه قضایی قرار داده، اما به آن‌ها توجه نشده است.»

◀ ۱۵۴ نماینده مجلس ایران در نامه ای «خطاب به ملت» تاکید کرده اند که تمام تلاش خود را برای به اصلاح قانون انتخابات که طی لایحه (؟) ای به شورای نگهبان ارسال و در آنجا رد شده بود را به خرج خواهند داد

☀ در نامه ای «خطاب به ملت»، ۱۵۴ نماینده‌ی مجلس ایران تاکید کرده اند که برای اصلاح قانون انتخابات تمام تلاش خود را خواهند کرد. این قانون به شورای نگهبان رفته و در آنجا رد شده است.

◀ دادگاهی در بیت المقدس سه اسرائیلی را که به تلاش برای منفجر کردن یک مدرسه دخترانه فلسطینی در بیت المقدس شرقی در ماه آوریل گذشته متهم شده بودند را گناهکار شناخته است.

✪ دادگاهی در بیت المقدس سه اسرائیلی را **مجرم شناخت**. این سه متهم اند که در ماه آوریل گذشته می‌خواستند یک مدرسه ی دخترانه ی فلسطینی را در بیت المقدس شرقی منفجر کنند.

◀ **ترکان** در گفت‌وگوی هفته گذشته خود با «شرق» حضور هر نوع واسطه‌ای اعم از شرکت هورتون، عباس یزدی و یا مهدی هاشمی که ادعا شده طرف مذاکره کننده با هورتون در شرکت نفت بوده را **تکذیب کرد**. (روزنامه‌ی شرق)

✪ در گفت‌وگوی هفته گذشته ی خود با «شرق»، **ترکان حضور هر نوع واسطه‌ای را تکذیب کرد**، چه شرکت هورتون، چه عباس یزدی، چه مهدی هاشمی، که ادعا شده طرف مذاکره کننده با هورتون در شرکت نفت بوده است.

◀ این سازمان به آموزش عملیات تروریستی به داوطلبان در خارج از خاک ترکیه و تامین هزینه عملیات آنان در داخل این کشور **مبادرت می کرده است**.

به جای دو فعل ناجور «به آموزش مبادرت کردن» و «به تأمین هزینه‌ی عملیات مبادرت کردن» در این جمله می‌توان آن را به این صورت صاف و سراسر کرد:

✪ این سازمان به داوطلبان در خارج از خاک ترکیه آموزش عملیات تروریستی می‌داده و هزینه عملیات‌شان را در داخل کشور تامین می کرده است.

وصیت‌نامه!

آنچه آوردم تنها نمونه‌هایی بود از پریشانی زبان ما در گزاردن خبرهای روزانه و حرف‌های ساده. و اما، هنگامی که کار به جاهای بالاتر و باریک‌تر می‌رسد، فاجعه به صورت ترسناک‌تری رخ می‌نماید. از این ساحت کاربرد زبان نوشتاری در پایه‌ای‌ترین و ساده‌ترین سطح، هنگامی که به ساحت نوشته‌ها و گفتارهای «علمی» و «فلسفی» برویم، چه تألیفی چه ترجمه‌ای، شگفت‌آور است که چه‌مایه نادانی و بی‌مایگی و یا کلاشی قلمی، به نام افاضات و فرمایشات نظری و ادبی، می‌تواند خود را پشت پریشانی دستوری و، در نتیجه، تاریکی‌های این زبان نوشتاری پنهان کند. بدیهی ست قصد توهین ندارم و استثناها را با احترام تمام کنار می‌گذارم. اما در برابر انبوه عظیم نوشته‌ها و ترجمه‌های یاوه در زبان ما، از جمله در جزوه‌ها و کتاب‌های درسی دانشگاهی، باید با دریغ و درد بگوییم که آنچه با دانش و شعور و ذوق زبانی درست در زبان ما به قصد درست فهمیدن و درست فهماندن تولید می‌شود، در برابر پشته‌های عظیم یاوه‌هایی که هر روز از زیر ماشین‌های چاپ به در می‌آید یا از راه رسانه‌های دیداری و شنیداری تولید و بازتولید می‌شود، ناچیز است. و این، یعنی زیستن در هوای دودناک و بیماری‌زای زبان در «جهان سوم».

از آن دست یاوه‌درایی‌ها، که در آن‌ها نه از منطق زبان خبری هست نه منطق اندیشه و گزارش، بلکه هذیان در هذیان است، مثال‌های بی‌شمار می‌توان آورد. اما چنان که حضرت مولانا فرموده است، «گر بریزی بحر را در کوزه‌ای / چند گنجد؟ قسمت یکروزه‌ای!» (اما، بهتر بود که ایشان هم توجه می‌فرمودند که ریختن آب بحر در کوزه هم کار بیهوده‌ای ست، زیرا، به علت

شوری‌اش، نمی‌توان از آن «قسمتِ یکروزه‌ای» ساخت و نوشید. بهتر بود می‌گفتند، «گر بریزی چشمه را در کوزه‌ای.» زیرا آب چشمه شیرین است و می‌شود در کوزه ریخت و «قسمتِ یکروزه» کرد. و این، یعنی نکته‌ای کوچک از توجه به منطقِ متن. به هر حال، اگر بخواهم مثال‌هایِ یاوه‌گویی‌های بی‌حساب را بیاورم، این کار، گذشته از نشاندار کردنِ برخی، از نظرِ «حقوقِ بشر» ستمی ست در حقِ انبوهِ کسانی که یادی از ایشان نشده و «آثار»شان به فراموشی سپرده شده است! برخی‌شان چهل-پنجاه سال است که در میدان‌های «اندیشه‌ی فلسفی» و «نقدِ ادبی» مدرن و پُست‌مدرن قلم‌فرسایی می‌کنند، و دردا و دریغا که نه قلم‌هاشان فرسوده می‌شود و نه دست‌شان خسته. گذشته از این‌ها، آدم برای این که سرِ سلامت به گور ببرد، هرچه دشمن برای خود کمتر بتراشد بهتر است. البته این اندرزی ست که من خود تاکنون خود چندان به دیده نگرفته‌ام و تازه-تازه، در این آخر عمر، می‌خواهم آویزه‌ی گوش کنم!

باری، سفارش یا وصیتِ من به جوانانِ جویای علم و معرفت این است که چون به این گونه یاوه‌درایی‌ها برمی‌خورند که چیزی از آن‌ها نمی‌فهمند، نترسند و جا نزنند، بلکه از خودشان بپرسند که این «نویسنده» یا «مترجم» ارجمند به‌راستی چه می‌خواهد بگوید؟ آیا او خود می‌فهمد که چه می‌گوید یا تنها برای ابراز وجود و شیریه مالیدن بر سر ما ست که یاوه‌ها را پشت هم چیده است. از این راه ذهن و زبانِ خود را هم می‌توان ادب و تربیت کرد تا پرواگری بیاموزد و کمتر یاوه بدراید. به هر حال، بدانید و آگاه باشید که در کشورِ گل و بلبل شارلاتانیسم و کلاه‌برداری در این زمینه از هیچ زمینه‌ی دیگر کمتر نیست، و تولیدِ کتاب و مقاله و گفتارِ تقلبی هیچ کمتر از روغن و شامپو و دارو و عرق و ویسکی تقلبی نیست. فاعتبروا یا اولی الأبصار!